

جایگاه فرهنگ بومی در مصوبات شورای فرهنگ عمومی گلستان



احمد خواجه‌نژاد*

مقدمه:

از ویژگی‌های عصر حاضر یکی آن است که اهمیت فرهنگ دیگر بر کسی پوشیده نیست و بر سر این مسئله اتفاق نظر وجود دارد که موثرترین عنصر تاثیرگذار در جوامع، فرهنگ است، و پویا نبودن فرهنگ، باعث ناکارآمدی سایر نهادهای موجود در جامعه خواهد شد. و فرهنگ است که نوع رفتارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... هر جامعه را شکل می‌دهد، و در ارزیابی طرح‌های کلان و برنامه‌های توسعه و تحول اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... هر جامعه، طرحی علمی و جامع‌نگر است که پیوست فرهنگی داشته باشد، و تمام زوایای طرح از منظر فرهنگ دیده شود؛ زیرا این پیوست می‌تواند با بسترسازی مناسب در جامعه بسیاری از تهدیدهای پیش روی اجرا را به فرصت مبدل کند.

* کارشناس ارشد تاریخ

رویکرد موجود بیانگر آن است که هیچ اقدامی بدون در نظر گرفتن اعتقادات، اخلاقیات، باورها، هنرها، آداب، رسوم و عادات مردم، موثر و کارساز نخواهد بود. به نظر می‌رسد در عصر ارتباطات هر چه حجم اطلاعات تولیدی و گستره‌ی ارتباطات، وسیع‌تر می‌شود، ضرورت این امر روشن‌تر می‌گردد. لذا نیاز به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق‌تر و آگاهانه‌تر احساس می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران که کشوری با سابقه‌ی فرهنگ و تمدن کهن است، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پررنگ شدن نقش آموزه‌های دینی و اخلاقی در حوزه‌ی فرهنگ عمومی، ضرورت توجه به ساماندهی امر فرهنگ عمومی، احساس شد و اقداماتی برای این کار صورت پذیرفت.

یکی از این اقدامات تشکیل شورای فرهنگ عمومی تا سطح شهرستان است که با هدف شناخت و اطلاع‌رسانی از وضع فرهنگ عمومی و اصلاح و ارتقای آن با توجه به ویژگی‌های استانی و محلی شکل گرفت.

در استان گلستان نیز همانند سایر استان‌ها، پس از جدا شدن این منطقه از استان مازندران در سال ۱۳۷۶ و تاسیس استان گلستان، و استقرار ادارات و سازمان‌های دولتی، شورای فرهنگ عمومی استان تشکیل شد.

در این نوشتار به بررسی مقطعی از زمان فعالیت این شورا پرداخته شده است؛ تا ضمن نگاه منتقدانه، میزان توجه مصوبات این شورا به مقوله‌ی فرهنگ بومی و محلی مشخص شود.

لازم به ذکر است در فاصله‌ی زمانی این پژوهش (سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴)، آرشیو مناسبی برای دسترسی نگارنده به صورت جلسات شورا وجود نداشته است و لذا به همین تعداد صورت جلسات به دست آمده اکتفا شده است.

تعاریف:

موضوع فرهنگ از پیچیده‌ترین و بحث‌انگیزترین موضوعات در علوم انسانی است، به گونه‌ای که برای فرهنگ، صدها تعریف بیان شده است و با گذشت زمان بر حجم این تعاریف افزوده می‌شود و تحلیل‌ها و نگاه‌های جدیدی برای آن عرضه می‌گردد؛ اما در این جا قصد بیان این تعاریف و تکرار آنها نیست.

در جامعه‌ی ایرانی واژه‌ی «فرهنگ» ریشه‌ی عمیق در زبان و ادب فارسی دارد و شاید هیچ کلمه‌ای به اندازه‌ی فرهنگ، مفهوم وسیع نداشته باشد. و این کلمه در فارسی، به معنی ادب، خرد، دانش، حکمت، بزرگی، فضل، بزرگ منشی، انسان‌دوستی، تهذیب نفس و دانایی آمده است و پیش از آن که معلومات وسیع و گسترده را در بر بگیرد، ادب و کمال انسانی را شامل می‌شود و جنبه‌ی کرداری

و انسانی آن بر جنبه‌ی کتابی و نظری‌اش غلبه دارد. هدفش پرورش انسان خوب است و نمونه‌ی انسان‌های با فرهنگ قهرمان‌های آراسته هستند.^۱

درباره‌ی تعریف فرهنگ عمومی که مسئولیت سیاست‌گذاری و نظارت و رصد آن با شورای فرهنگی عمومی است نیز هم چون فرهنگ، نظرات متعدد و گوناگونی بیان شده است. یکی از این تعریف‌ها می‌گوید: «فرهنگ عمومی عبارت است از مجموعه‌ی منسجم و نظام یافته‌ای از اهداف، ارزش‌ها، عقاید، باورها، رسوم و هنجارهای مردم متعلق به یک جامعه‌ی بزرگ، قوم یا ملت»^۲ اما در بررسی فرهنگ عمومی باید به این نکته مهم توجه داشت که فرهنگ عمومی، تک لایه نیست؛ بلکه لایه‌های گوناگونی دارد، سطوح مختلف روی هم قرار می‌گیرند و در نهایت، فرهنگ عمومی را می‌سازند. نکته‌ی دیگر آنکه برای پذیرش یک امر در نزد عموم مردم، عوامل گوناگونی موثرند نیاز به زمان می‌باشد. یعنی فرهنگ عمومی یک پدیده، دفعی نیست که یک‌باره مورد توافق افراد یک جامعه قرار گرفته باشد.

به عنوان مثال فرهنگ عمومی همچون متن قوانین راهنمایی و رانندگی نیست که ناشی از قرارداد اجتماعی مکتوب باشد. قراردادی که توسط جمعی تدوین و کارشناسی شده و بعد به جامعه ابلاغ گردد؛ که باید در این مورد خاص با این مدل حرکت کرد. هر چند این قراردادها وقتی وارد عرصه‌ی اجتماع می‌شوند می‌توانند به مرور زمان بر اساس پیش فرض‌های فرهنگی که در آن جامعه است در کوتاه‌مدت و یا درازمدت تبدیل به تصویری از فرهنگ عمومی شوند و برای عملی شدن این قوانین، ناگزیر متولیان امر باید از شاخص پذیرفته شده‌ی فرهنگی آن جامعه کمک بگیرند. اما نمی‌توان بدون در نظر گرفتن لایه‌های فرهنگی جامعه که بسیاری از آن‌ها ریشه در اعتقادات، باورها، آداب، رسوم و ... آن جامعه دارد، پدیده‌ای را در زمره‌ی پدیده‌های پذیرفته شده در نزد فرهنگ عموم درآورد. لذا باید برای برنامه‌ریزی فرهنگی در سطح جامعه و سیاست‌گذاری فرهنگی حتماً به شاخص‌های فرهنگ بومی آن جامعه توجه ویژه داشت. زیرا خرده فرهنگ‌های جامعه، به‌سان آجرهایی هستند که با هنر یک معمار زیر دست می‌تواند تبدیل به یک بنا و ساختمان زیبا و هدف‌دار شود.

سطوح مختلف فرهنگ هم‌چون جهان‌بینی، باورها، اعتقادات، ارزش‌ها، آیین‌ها، هنر و ادبیات است، که لایه به لایه‌ی فرهنگ عمومی را می‌سازد. در ساختمان فرهنگ ملی هر ملتی، خرده‌فرهنگ‌ها، فرهنگ بومی و محلی به عنوان سنگ زیرین بنا محسوب می‌شوند. اگر معمار این بنا، این سنگ را به درستی و بر اساس محاسبه‌ی دقیق مهندسی جاسازی کند، یقیناً بنایی مستحکم و ماندگار خواهد ساخت، و اگر مختصری بی‌دقتی کند و به ظرافت و اهمیت موضوع توجه نداشته باشد، دیری

۱. اسلامی ندوشن، محمد علی. فرهنگ و شبه فرهنگ. ۱۳۵۴، تهران. نشر توس. ص ۷۳.

۲. فردو، محسن و دیگران: جامعه و فرهنگ (مجموعه مقالات) تهران. آردو. چاپ اول ۱۳۸۰ ص ۱۲۴ تا ۱۷۰.

نخواهد پایید که با اندک لرزش ناشی از بادهای، توفان‌ها و زمین لرزه‌ها، سنگ‌ها و آجرهای بالادستی سست و سست‌تر خواهند شد و سرانجام فرو خواهند ریخت. ریزش سازه‌ی فرهنگ جامعه که زیر ساخت همه‌ی نظام‌های مورد نیاز هر جامعه‌ی انسانی ست، باعث فروپاشی آن جامعه خواهد شد. زیرا هر خیزشی در جامعه باید از بستر فرهنگ آغاز شود. و بالطبع هر ویرانی نیز می‌تواند از دل این حوزه برخیزد.

شورای فرهنگ عمومی

انقلاب اسلامی ایران که ماهیتش انقلابی فرهنگی است و بر اساس آرمان‌هایی که بزرگان این انقلاب برای آن مطرح کرده‌اند، بیش از هر حوزه‌ای به دین و فرهنگ تکیه دارد، در همان سال‌های ابتدایی پیروزی به منظور سیاست‌گذاری و نظارت بر جریان فرهنگی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی را با حجم گسترده‌ای از وظایف و اختیارات تشکیل داد. این شورا در سال ۱۳۶۴ به منظور سیاست‌گذاری و هدایت فرهنگ عمومی کشور، شورایی به نام شورای فرهنگ عمومی را تاسیس کرد. این شورا نیز با توجه به تمایزات فرهنگی هر منطقه با هدف شناخت و اطلاع از وضع فرهنگ عمومی و اصلاح و ارتقای آن، شورای فرهنگ عمومی را در هر استان تشکیل داد و نیز این اختیار را به شورای فرهنگی هر استان داد که در هر یک از شهرستان‌های تابعه‌ی استان، شورای فرهنگ عمومی شهرستان راه اندازی شود.

هر خیزشی در جامعه

باید از بستر فرهنگ آغاز شود. و

بالطبع هر ویرانی نیز می‌تواند از دل

این حوزه برخیزد

این ساختار سیاست‌گذاری فرهنگی که تا سطح شهرستان، ریز شده است، یقیناً بر اساس نیازها، گستردگی حوزه‌ی فرهنگ و تمایزات و تفاوت‌های منطقه‌ای و محلی بوده است. برابر آنچه که در شرح وظایف شورای فرهنگی عمومی استان آمده است ترکیب این شورا نیز بیان‌گر جایگاه ویژه آن است؛ زیرا تمامی بخش‌هایی که می‌توانند در شکل‌گیری، تبیین و ترویج فرهنگ عمومی و فرهنگ بومی موثر باشند، عضو صاحب‌رای این شورا هستند. مقاماتی همچون: امام جمعه‌ی مرکز استان به عنوان رئیس شورا، استاندار به عنوان نایب رئیس شورا، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی استان، مدیر کل سازمان صدا و سیما، مرکز استان، یک نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی استان به انتخاب مجمع نمایندگان استان، یک نفر از رؤسای دانشگاه‌های مرکز استان به انتخاب مجمع رؤسای دانشگاه‌های مرکز استان، رئیس سازمان آموزش و پرورش استان، مدیر کل اطلاعات استان، مدیر کل تربیت بدنی استان، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، شهردار مرکز استان،

فرماندهی نیروی انتظامی مرکز استان، فرماندهی نیروی مقاومت بسیج مرکز استان، رئیس جهاد دانشگاهی مرکز استان، رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان، رئیس کل دادگستری استان، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان که مسئولیت دبیری شورا را نیز عهده‌دار است. یک نفر از رؤسای نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌های استان به انتخاب مجمع نهاد نمایندگی استان، مسئول دفتر نمایندگی شورای سیاست‌گذاری ائمه‌ی جمعه‌ی استان، مسئول دفتر رسیدگی به امور مساجد استان یا یک نفر از ائمه‌ی جماعات فعال به پیشنهاد امام جمعه، یک نفر از ارباب جراید استان به پیشنهاد مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و تأیید شورای فرهنگ عمومی استان، سه نفر از شخصیت‌های معتبر فرهنگی و هنری استان (حداقل یک نفر از خواهران) به پیشنهاد شورای فرهنگ عمومی استان.

وظایفی که برای این شورا پیش‌بینی شده به صورت کلی به سه بخش: شناخت و اطلاع از وضع فرهنگ عمومی؛ اصلاح و ارتقای فرهنگ عمومی؛ نظارت و پیگیری مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و تصمیمات شورای فرهنگ عمومی کشور تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

- ۱- مطالعه، تجزیه و تحلیل و ارزیابی سالانه‌ی وضع فرهنگ عمومی استان بر اساس شاخص‌های تدوین شده در دبیرخانه‌ی شورای فرهنگ عمومی کشور.
- ۲- شناسایی و ارزیابی علمی، پیش‌بینی و رصد موضوعات اجتماعی و فرهنگی فراگیر استان.
- ۳- انجام تحقیقات مرتبط با فرهنگ عمومی استان و تحلیل و ارزیابی نتایج تحقیقات علمی انجام شده، به منظور دسترسی به راهکارهای مناسب به منظور حل مسائل فرهنگی.
- ۴- شناسایی، سنجش استعدادها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های فرهنگی استان.
- ۵- بررسی و اظهارنظر نسبت به موضوعات، طرح‌ها و گزارش‌هایی که از سوی شورای فرهنگ عمومی کشور به شورای فرهنگ عمومی استان ارجاع می‌شود.
- ۶- تهیه و تدوین و پیشنهاد طرح‌های عملیاتی و کاربردی برای بهبود شاخص‌های فرهنگ عمومی استان.
- ۷- تلاش در راستای ایجاد همکاری، هماهنگی و همسویی بین دستگاه‌های دولتی و غیردولتی و مجریان فرهنگی استان در زمینه‌ی ساماندهی برنامه‌های فرهنگی استان.
- ۸- اتخاذ شیوه‌های تشویقی در استان به منظور شکوفایی فرهنگ عمومی در ابعاد مختلف.
- ۹- برنامه‌ریزی کوتاه مدت، میان مدت و تدوین شیوه‌نامه‌های لازم به منظور ایفای وظایف در چارچوب سیاست‌های شورای فرهنگ عمومی.
- ۱۰- برنامه‌ریزی در راستای اجرای مصوبات ابلاغی شورای عالی انقلاب فرهنگی و تصمیمات

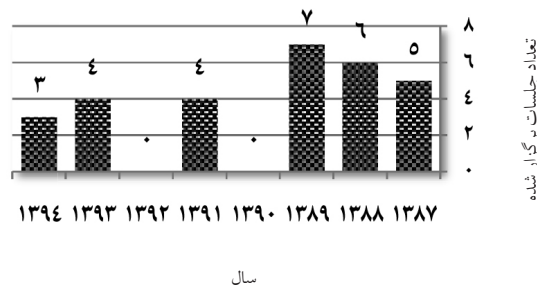
شورای فرهنگ عمومی کشور در استان‌ها.

۱۱- ارزیابی روند اجرایی سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی در استان.^۳

تیین یافته‌ها:

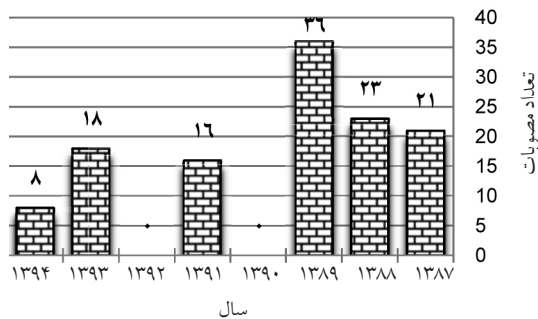
با توجه به آن‌چه که گفته شده است و همچنین نگاهی که قانون‌گذاران کشور برای چینش ساختار شورای فرهنگ عمومی تا سطح استان و شهرستان داشته‌اند، نشان می‌دهد که مطالعه، هدایت و ارزیابی فرهنگ عمومی بدون توجه و شناخت دقیق فرهنگ بومی و محلی استان ممکن نیست. یعنی متولیان امر به ویژه شورای فرهنگ عمومی استان که عالی‌ترین و موثرترین مجموعه در حوزه‌ی فرهنگ عمومی هر استان است، باید به شاخص‌ها و ویژگی‌های فرهنگ بومی و محلی اشراف کامل داشته و در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی استان به این مقوله توجه ویژه کند. زیرا اگر بنا بود این شورا نیز بدون در نظر گرفتن هویت بومی استان و تلاش برای تقویت شاخص‌های فرهنگ عمومی محلی کار کند، به نظر می‌رسید نیازی به تشکیل آن نبود و این کار در سطحی بالاتر و با حتی دقیق‌تر می‌توانست توسط نهادهای بالادستی آن همچون شورای فرهنگ عمومی کشور و یا شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت گیرد.

با بررسی به عمل آمده در تعدادی از صورت‌جلسات شورای فرهنگ عمومی استان گلستان، این نتیجه به دست می‌آید که این شورا به این مقوله خیلی کم‌تر از آن که باید، توجه داشته است. این نکته هم قابل طرح است که متأسفانه حتی در نگهداری و آرشیو صورت‌جلسات این شورا و اطلاع‌رسانی مناسب آن هم، با توجه به جایگاه ویژه‌ی این شورا، وضعیت مناسبی وجود ندارد؛ به گونه‌ای که نگارنده حتی نتوانست علی‌رغم مراجعه به دفتر رئیس و دبیرخانه‌ی شورا، بخشی از صورت‌جلسات چند سال اخیر را دریافت کند. این موضوع می‌تواند در پی‌گیری مصوبات و اجرایی کردن آن‌ها موثر باشد، که در ادامه به بخشی از آن اشاره خواهد شد. برای نگارش این متن، صورت‌جلسات ۲۹ جلسه‌ی برگزار شده بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفت. تعداد آنها بر اساس سال به این قرار است:



۳. آیین‌نامه‌ی شورای فرهنگ عمومی استان. پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. قابل دسترسی از پایگاه: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/101206>

متأسفانه در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲ هیچ صورت‌جلسه‌ای در دسترس نبوده است. برابر آنچه که در شرح وظایف دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان‌ها آمده است این دبیرخانه موظف است شرایط لازم را برای تشکیل جلسات شورا حداقل هر ماه یک بار فراهم نماید. جدول بالا نشان می‌دهد در طی این چند سال این‌گونه نبوده است. که این مسئله، خود می‌تواند در عقب ماندگی کارها و رسیدگی به وظایف این شورا موثر باشد. البته یکی از بزرگ‌ترین مشکلات برای برگزاری جلسات، ترکیب اعضا است؛ به گونه‌ای که هماهنگی برای حضور ماهانه‌ی آنان یعنی نماینده‌ی ولی فقیه، استاندار، نماینده‌ی مجلس و ۱۵ تن از مدیران ارشد استان، به راحتی مقدور نیست و اگر اهمیت حضور و جایگاه این شورا برای اعضا دقیقاً معین نباشد به مراتب کار، دشوارتر خواهد بود. البته فعالیت و تلاش دبیرخانه‌ی شورا برای برگزاری منظم جلسات هم بی‌تأثیر نیست. شورای فرهنگ عمومی استان در مجموع این جلسات ۱۲۲ مصوبه داشته است. تعداد این مصوبات به تفکیک سال به این شرح است:



همان‌گونه که در شرح وظایف این شورا آمده به صورت کلی وظایف شورای فرهنگ عمومی استان‌ها را می‌توان در سه حوزه‌ی شناخت و آگاهی، برنامه‌ریزی و نظارت تعریف کرد. جدول زیر وضعیت مصوبات بررسی شده‌ی شورای فرهنگ عمومی استان گلستان را بر اساس سه وظیفه‌ی اصلی این شورا نشان می‌دهد:

نظارت	برنامه‌ریزی	شناخت
۲۳ درصد	۴۸ درصد	۲۹ درصد

بیش‌ترین مصوبات شورا در بازه‌ی زمانی بررسی شده به موضوع برنامه‌ریزی و طرح‌های عملیاتی

مربوط می‌شود، به نظر می‌رسد کمتر به حوزه‌ی شناخت و اطلاع از وضع فرهنگ عمومی پرداخته شده است و این خود می‌تواند یکی از مشکلات پیش روی این شورا باشد که میزان مصوبات شناخت و اطلاع وضع موجود به مراتب از مصوبات عملیاتی کم‌تر است. اصولاً برای اجرای هر برنامه‌ی هدف‌دار و موثر، قبل از هر چیزی نیازمند به شناخت وضع موجود و نیز مطالعات عمیق و کاربردی هستیم تا با تبیین شرایط موجود و شناخت تمام زوایای آن، برنامه‌ریزی لازم صورت پذیرد و سپس در حین اجرا نظارت و ارزیابی لازم انجام شود تا اشکالات طرح ابتدا هدایت و اصلاح شود. در ادامه خواهیم دید که دلایل این شرایط چه بوده است. اما نکته‌ی دیگری که می‌توان روی آن توجه داشت این است که بخشی از مصوبات شورا، ارتباطی با وظایف این مجموعه ندارد.

مصوبات غیر مرتبط	مصوبات مرتبط
۲۸ درصد	۷۲ درصد

این جدول نشان می‌دهد که ۲۸ درصد مصوبات شورا ارتباطی با شرح وظایف پیش‌بینی شده‌ی شورا ندارد. این موضوع خود می‌تواند در فرایند تصمیم‌گیری موثر باشد. نخست بیانگر آن است که کار کارشناسی تطبیق موضوعات قابل طرح با شرح وظایف شورا به صورت دقیق انجام نمی‌شود و دوم این که بخشی از وقت جلسات، صرف اموری می‌شود که ارتباطی به شورای فرهنگ عمومی ندارد. از موضوعات مهم دیگری در حوزه‌ی فرهنگ این است که، برنامه‌های فرهنگی زمان‌بر است و نیاز به کار مداوم و برنامه‌ریزی شده دارد. در بررسی انجام شده نشان می‌دهد که بخش زیادی از مصوبات شورا در قالب برنامه نیست و تابع شرایط اقتضایی جامعه و ایجاد موج تبلیغی است. این بررسی نشان می‌دهد که ۴۸ درصد مصوبات شورا تا حدودی بر اساس برنامه بوده و ۵۳ درصد به صورت موجی و مقطعی است؛ یعنی براساس شرایط مقطع زمانی برگزاری جلسه، موضوعی مطرح، مصوب و بعد فراموش شده است.

اگر به شرح وظایف شوراهای دقت دوباره کنیم، درمی‌یابیم که این شورا بیش از هر چیزی وظیفه‌ی سیاست‌گذاری دارد تا اجرا؛ اما در بررسی مصوبات شورای فرهنگ عمومی استان این نتیجه به دست آمد که ۷۳ درصد مصوبات، ورود به مقوله‌ی اجرا بوده است و فقط ۲۷ درصد به حوزه‌ی سیاست‌گذاری مرتبط است. این آمار هم نشان می‌دهد که خروج از سیاست‌گذاری و ورود به عرصه‌ی اجرا که اساساً در وظایف شورا پیش‌بینی نشده، می‌تواند از اشکالات کار این شورا باشد. گزینه‌ی دیگری که در این بررسی مورد توجه قرار گرفت این بود که وضعیت مصوبات به لحاظ

موضوع ملی و یا استانی مورد توجه قرار گیرد. در این بخش هر چند انتظار بیش تری از نهادهای منطقه‌ای برای توجه به موضوعات محلی می‌رود ولی آمار تا حدودی قابل قبول وجود دارد. از مجموع مصوبات این شورا ۶۵ درصد به موضوعات استانی و ۳۵ درصد به مباحثی که طرح آن باید در نهادهای ملی صورت گیرد، مربوط می‌شود که البته می‌تواند این تناسب هنوز هم به سمت موضوعات استانی برود.

در مصوبات بررسی شده مواردی وجود داشت که اساساً از وظایف ذاتی شورا و یا دبیرخانه بود و نیازی به طرح آن در جلسات و دریافت مصوبه برای آن نبود. به عنوان مثال این که شورای فرهنگ عمومی گزارش فعالیت‌های خود را برای شورای فرهنگ عمومی کشور ارسال کند از وظایف ذاتی دبیرخانه و شورا است و نیاز به مصوبه ندارد. حدود ۱۷ درصد از مصوبات شورا این گونه‌اند و مباحثی هستند که نیازی به مصوبه نداشته‌اند و دبیرخانه می‌توانست بدون طرح در شورا هم آن را بر اساس اختیارات انجام دهد و وقت شورا صرف این گونه مصوبات نشود.

از دیگر موضوعات قابل نقد شورای فرهنگ عمومی استان این است که ۲۵ درصد مصوباتش از جمله مواردی بوده است که وظیفه‌ی ذاتی سایر دستگاه‌های اجرایی استان هستند. به عنوان مثال مکان‌یابی برای راه‌اندازی پیست موتور سواری آقایان در گرگان کار کارشناسی و دستگاه متولی خود را دارد

در بررسی مصوبات شورای فرهنگ

عمومی استان در مجموع ۱۲۲

مصوبه فقط ۸ مصوبه بوده است که

به گونه‌ای می‌شد به فرهنگ بومی و

محلی آن را ربط داد

و نیازی به دخالت شورا در این گونه موارد نیست.

اما بهانه‌ی نگارش این متن آن بود که با توجه به اهمیت والای فرهنگ بومی و محلی به عنوان زیرساخت فرهنگ عمومی و فرهنگ ملی، توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی به این مقوله مورد ارزیابی قرار گیرد. یکی از دلایل تشکیل شوراهای فرهنگ عمومی در سطح استان و شهرستان هم همین موضوع است. تا سیاست‌گذاری‌ها از پایین براساس شناخت دقیق لایه‌های فرهنگی جوامع انجام پذیرد.

بررسی و مطالعه‌ی دقیق و عمیق برای شناخت فرهنگ بومی و محلی و همچنین برنامه‌ریزی برای تقویت آن و به کارگیری از قابلیت‌های آن در حوزه‌ی فرهنگ عمومی و فرهنگ ملی کاری بسیار مهم و کلیدی است.

در بررسی مصوبات شورای فرهنگ عمومی استان در مجموع ۱۲۲ مصوبه فقط ۸ مصوبه بوده است

که به گونه‌ای می‌شد به فرهنگ بومی و محلی آن را ربط داد؛ یعنی حدود ۷ درصد مصوبات. که البته همین ۸ مصوبه هم بیشتر جنبه‌ی اجرایی داشته و نگاه خاصی به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی عمیق نداشته است. عناوین این مصوبات عبارتند از:

- تجلیل از خادمین فرهنگ استان
- تجلیل از مشاهیر استان
- ایجاد بوستان مفاخر و مشاهیر استان
- اختصاص یک روز به نام حکیم میرفندرسکی
- تاسیس انجمن مفاخر استان
- برگزاری مراسم نکوداشت مولفین قابوس‌نامه و ویس و رامین.
- تدوین سند جامع فرهنگی استان
- تشکیل ستاد ۵ آذر گرگان

البته نگارنده در این نوشتار به دنبال اجرایی شدن و یا نشدن مصوبات نبوده است که آن نیز خود موضوعی قابل بحث است؛ چون بسیاری از این مصوبات در حد همان مصوبه باقی مانده و عملاً اقدامی برای اجرایی شدن آن صورت نگرفته است. و اشکالات شکلی زیادی به نحوه‌ی طرح دستور جلسات، پی‌گیری و اجرایی شدن مصوبات، نظارت بر انجام مصوبات و ... وجود دارد که جای بحث آن نیست و این‌ها از جمله اشکالات اساسی در عدم تأثیرگذاری شورای فرهنگ عمومی است که گاهی آن را در حد جلسه‌ای که باید تشکیل شود و صورت جلسه‌ای برای آن تنظیم گردد خلاصه شده است.

نتیجه‌گیری:

بررسی صورت‌جلسات شورای فرهنگی عمومی استان گلستان بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴، که در مجموع ۲۹ جلسه و ۱۲۲ مصوبه بوده است نشان می‌دهد که شاید هنوز ضرورت وجود این شورا و نقش آن، چنان که باید حتی برای اعضا مشخص نشده است و به همین خاطر است که برگزاری جلسات آن منظم نبوده و در برخی از سال‌ها حتی یک جلسه هم برگزار نشده و یا حداقل آن‌که مصوبات و صورت‌جلسه‌ی آن موجود نبوده است. علاوه بر آن بخشی از زمان شورا به اموری اختصاص داده شده است که ارتباطی به وظایف و اختیارات آن نداشته است.

این شورا بیش از هر چیزی باید به شناخت و سیاست‌گذاری در حوزه‌ی فرهنگ عمومی بپردازد. اما بیش‌تر از آن‌که به این موضوع توجه کرده باشد، وارد مقوله‌ی اجرا شده‌است. و حتی گاهی این

موضوعات تا حدی پیش رفته که وارد وظایف ذاتی دستگاه‌های اجرایی می‌شود. و دیگر آن‌که این شورا باید به موضوعات به صورت زیربنایی و مطالعه شده نگاه کند اما بسیاری از مصوبات آن نشان می‌دهد که بیش از آن‌که به این مسئله توجه داشته باشد از موج‌های ایجاد شده در جامعه تاثیرپذیر بوده است. در تقسیم مصوبات بر اساس شرح وظایف پیش‌بینی شده توازن مناسب برقرار نشده است؛ یعنی بیشتر مصوبات شورا به سمت برنامه‌ریزی بوده تا شناخت و اطلاع‌رسانی. موضوع مهم مورد توجه این نوشتار آن‌که در مصوبات شورا توجه چندانی به شاخص‌های فرهنگ بومی و محلی به عنوان زیر ساخت فرهنگ عمومی مشاهده نمی‌شود. و شاید یکی از دلایل عدم تاثیرگذاری کامل مصوبات شورای فرهنگ عمومی همین مسئله باشد و باید تلاش لازم برای احیا و ترویج فرهنگ بومی و محلی و استفاده از ظرفیت‌های مثبت آن صورت پذیرد. اموری هم چون آداب، رسوم، نحوه ی پوشش، مهمان‌نوازی، ازدواج، زبان و گویش، هنر و ... که زیر ساخت‌های فرهنگ عمومی هستند.

علاوه بر این‌ها در بررسی صورت‌جلسات حضور پررنگ نظرات شخصیت‌هایی که به لحاظ جایگاه اجرایی در استان بالاتر از سایر مدیران عضو شورا هستند، در مصوبات مشاهده می‌شود که خود می‌تواند آسیب باشد و در صورت تداوم، این مجموعه از حالت شورایی به درآمده و درنهایت به جمع مشورتی تبدیل شود.

اشکال دیگر این است که بیش‌تر مصوبات شورا در زمینه‌ی مباحث نظری است و در بین آن‌ها موارد کاربردی که فرایند مطالعه شده را طی کرده باشد، کم‌تر مشاهده می‌شود. نکته‌ی دیگر آن‌که بسیاری از مصوبات شورا در حد مصوبه باقی مانده است و هیچ اقدامی برای اجرایی شدن آن انجام نگرفته است.

در نهایت به نظر می‌رسد با توجه به ترکیب اعضا و عدم امکان برای طرح نظرات مطالعه شده و کارشناسی توسط اعضای رسمی، وجود کارگروه‌های تخصصی متشکل از کارشناسان مطلع و خبیره‌ی استانی برای بررسی دستور جلسات و مطالعه‌ی عمیق برای اولویت بندی موضوعات و استفاده از ظرفیت‌های غنی فرهنگ بومی احساس می‌شود. و به نظر می‌رسد این شورا یا از این کارگروه‌ها بی‌بهره است و یا اگر آن‌ها را تشکیل داده، آن‌ها نتوانسته‌اند وظایف خود را به خوبی به انجام برسانند. البته چگونگی ایفای نقش افراد حقیقی عضو این شورا که به نظر می‌رسد حضور آنان برای تقویت بخش کارشناسی کار بوده، بسیار می‌تواند موثر باشد.